

## شہیدِ ماہِ مبارکِ رمضان



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شہیدِ ماہِ مبارکِ رمضان

احمد علی رضائی اسد آبادی [1]

مقدمہ

علی ابن ابی طالب (علیہ السلام)، فرزند ابوطالب و فاطمہ بنت اسد و یکی از خلفای رسول اﷺ (صلی اﷺ علیہ و آلہ) است کہ در دامن پُر مہر حضرت محمد (صلی اﷺ علیہ و آلہ) و اُمّ المؤمنین حضرت خدیجہ کبری (سلام اﷺ علیہا) پرورش یافتہ و در سن کودکی بہ رسالت رسول اﷺ (صلی اﷺ علیہ و آلہ) ایمان آورده و با ایشان بیعت نموده است. کُنّیہ های ایشان عبارتند از «ابوالحسن، ابو تراب» و برخی از ألقابشان عبارتست از «مرتضی، أميرالمؤمنین، حیدر، ...» [2]. ایشان، همسر گرامی حضرت

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و پدر امام حسن و امام حسین و حضرت زینب کبری (علیهم السلام) است. ایشان، جوانمردیست که در تاریخ پر فراز و نشیبی صدر اسلام، بارها جان خویش را سیرِ بلای جانِ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کرده بودند و برای پیروزی دین مقدس اسلام بر کفر و شرک و طاغوت، سر از پا نمی‌شناختند؛ که می‌توان به عنوان نمونه به ماجراهای « لیلۃ المَیَیت » و « جنگ احد » و « جنگ احزاب » و « فتح قلعه خیبر یهودیان » و ... اشاره کرد. آغاز امامت ایشان، از زمان رحلت جانشین رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله) است که رسماً در « غدیر خم »، به عنوان خلیفه و امام و جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منصوب شده اند. سرانجام در ۱۹ رمضان سال ۴۰ قمری در مسجد کوفه توسط ابن ملجم مرادی ترور، و در ۲۱ رمضان سال ۴۰ قمری به شهادت رسیدند. [3] آیات و روایات متعددی در عظمتِ شأن و مقام امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

کلیدواژه ها: « علی ابن ابی طالب، شهیدِ ماهِ مبارکِ رمضان ».

جایگاه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) در قرآن مجید

امیر المؤمنین امام علی (علیه السلام) در قرآن مجید دارای شأن و مقام و منزلت والایی است که به برخی از آن آیات شریفه اشاره می‌شود.

الف) ایشان، در « آیه ۶۱ سوره آل عمران »، به عنوان « نَفْسٌ و جانِ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی شده است؛ خداوند متعال در سوره « آل عمران » می‌فرماید: « فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)، کسانی که با تو درباره او (حضرت عیسی بن مریم سلام الله علیهما)، پس از إعطای علم الهی به تو درباره حقیقت او - بنده خدا بودن حضرت عیسی بن علیهما السلام نه خدا بودن ایشان - استدلال می‌کند، بگو: بیاید تا فراخوانیم پسرانمان و پسران آنان، زنهایمان و زنان هایتان، و خودمان و خودتان را، و سپس یکدیگر را نفرین کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم». [4]

مسلم بن حجاج نیشابوری در « صحیح مسلم » در تفسیر این آیه شریفه، از « سعد بن ابی وقاص » نقل می‌

کند زمانی که این آیه شریفه - « فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ » - نازل شد، رسول ﷺ (صلی الله علیه و آله) و علی و فاطمه و حسن و حسین فراخواندند و فرمودند: « اللّٰهُمَّ هَوِّءْ أَهْلِي؛ » « خدایا ، اینها ، اهل بیت من هستند». [5]

ب) ایشان، به حکم « آیه ۳۳ سوره احزاب » ، جزء اهل بیت (علیهم السلام) و معصوم هستند؛ خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: « إِنْ زَمَّ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ؛ قطعاً خداوند متعال اراده فرموده که تمام پلیدیها را از شما اهل بیت رسول ﷺ (صلی الله علیه و آله) دور کند و شما را پاک (معصوم) قرار دهد ». [6] حاکم نیشابوری در کتاب « المستدرک علی الصحیحین » می نویسد: « منظور از اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آیه ۳۳ سوره احزاب ، علی و فاطمه و حسن و حسین است». [7]

ج) ایشان، طبق « آیه ۵۹ سوره نساء » به عنوان یکی از مصادیق « أولوا الأمر معصوم و واجب الإطاعة » هستند؛ خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند متعال اطاعت کنید و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و أولوا الأمر نیز اطاعت کنید». [8]

جناب آقای فخر رازی - یکی از مفسرین طراز اول اهل سنت - در تفسیر این آیه شریفه می نویسد: به جهت غیر مقیّد بودن « أطیعوا » در « أطیعوا الرسول و اولی الأمر منکم » ، ناچاریم که بگوییم : اولوا الأمر نیز مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معصوم هستند. [9] و إطلاق صیغه ی أمر « أطیعوا » ، دلالت بر واجب الإطاعة بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و أولوا الأمر دارد. همچنین جناب آقای فاضل قندوزی حنفی در « ینابیع المودة » در تفسیر این آیه شریفه بیان کرده اند، علی بن ابی طالب (علیه السلام)، یکی از اولوا الأمر هستند. [10]

د) ایشان ، طبق « آیه ۵۵ سوره مائده » ، به عنوان « سرپرست مسلمانان » معرفی شده است؛ خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: « إِنْ زَمَّ مَا وَلِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ؛ قطعاً و یقیناً سرپرست شما ، خداوند متعال و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و افراد با ایمانی هستند که

نماز می خوانند و در هنگام رکوع نماز به فقیر صدقه می دهند». [11]

جناب ثعلبی نیشابوری - مفسر بزرگ اهل سنت - در تفسیر این آیه شریفه، روایتی را از ابن عباس رضوان الله علیه نقل می کند که ایشان در باره سبب نزول این آیه شریفه گفته اند: « ما در مسجد النبی ( صلی الله علیه و آله ) بودیم که فقیری آمد و درخواست کمک کرد. غیر از علی ابن ابی طالب ( علیه السلام ) که در حال نماز بودند، کسی به آن فقیر کمک نکرد ... ». [12]

جایگاه علی بن ابی طالب ( علیه السلام ) در سنت

الف) ایشان، یکی از عترت رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) است؛ قال رسول الله ( صلی الله علیه و آله ) : « يا ايها الناس! إني قد تركتُ فيكم ما إن أخذتم به لَن تَضِلُّوا ؛ كتابَ الله و عترتي، اهل بيتي؛ اي مردم، قرآن و اهل بيتم را در میان شما به یادگار می گذارم، مادامی که از آنها پیروی کنید، هرگز گمراه نمی شوید». [13]

ب) ایشان، یکی از خلفای دوازده گانه رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) است؛ مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری در « صحیح مسلم » و ابو داود سجستانی در « سنن أبی داود » و احمد بن حنبل در « مسند احمد » حدیث صحیحی را از رسول خدا ( صلی الله علیه و آله ) نقل کرده اند که می فرمایند: « لا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَيَّ إِثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً، كَلَّا هُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ مادامی که دوازده نفر از خلفای من بر شما حکومت کنند، دین مقدس اسلام، عزیز خواهد بود ». [14]

عالم جلیل القدر اهل سنت جناب آقای فاضل قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ق) در کتاب « ینابیع المودَّة لِذِي الْقُرْبَى مِنْ أَهْلِ الْعَبَا ( عليهم السلام ) » در تفسیر این حدیث شریف می نویسد: « احادیث دلالت کننده بر این که تعداد جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، دوازده نفر هستند، از طُرُق مختلفی ( سندهای گوناگون ) به دست مسلمانان رسیده است که با بررسی وقایع تاریخی صدر اسلام تا کنون، در می یابیم که هیچ چاره ای نداریم غیر از این که حدیث شریف « اثنی عشر خلیفة » را بر « ائمه دوازده گانه اهل بیت علیهم السلام »، تطبیق کنیم؛ زیرا: آنها، داناترین و با عظمت ترین و زاهدترین و با تقواترین مردم زمانشان بوده اند و از نظر نَسَب و حَسَب نیز، آنها دارای بهترین و گرامی ترین خانواده نزد خداوند متعال هستند و علوم آنها نیز، مُتَّصِلًا بِجَدِّهِمْ ( صلی الله علیه و آله ) بِرِثَةِ الْعِلْمِ وَ عِلْمِ غَيْبِهِمْ می باشند که « حدیث ثقلین » و احادیث فراوان دیگری نیز همین مُدَّعَا را به

(ج) ایشان، جامع صفات حَسَنَدَه انبیاء سابق (علیهم السلام) است؛ «عَنْ أَبِي بَرِيٍّ الْخَمَرِيِّ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: كُنْتُ حَاضِرًا حِينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَطَلَعَ عَلَيَّ بَنُؤُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَرَّهْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خُلُقِهِ، فَلَا يَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ رَسُولَ خدَا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: «هر کس دوست آدم علیه السلام را با علمش و نوح علیه السلام را فهم و درکش و ابراهیم علیه السلام را با اخلاق نیکویش ببیند، به علی ابن ابی طالب نگاه کند». [16]

(د) ایشان، برادر و مُصَاحِبِ رَسُولِ خدَا (صلى الله عليه وآله) است؛ رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در جنگ حُنَيْنِ فرمودند: «عَلَيٌّْ أَخِي وَمُصَاحِبِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ علی ابن ابی طالب، برادر من و همنشین در روز قیامت است». [17]

(ذ) ایشان، پرچم دار و فتح کننده قلعه ی خیبر است؛ «عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ يَوْمَ خَيْبَرَ: «لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَدَيْهِ»، فَقَامُوا يَرْجُونَ لِذَلِكَ أَيُّهُمْ يُعْطَى، فَغَدَوْا وَكُلَّسُهُمْ يَرْجُونَ أَنْ يُعْطَى، فَقَالَ: أَيُّنَ عَلِيٍّ؟؛ سهل بن سعد می گوید: در ماجرای فتح قلعه خیبر، رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: «فردا پرچم سپاه را به دست کسی خواهم داد که خداوند متعال بوسیله او قلعه خیبر را فتح خواهد کرد». [ فردای آن روز ] همه ی ما در مقابل رسول خدا (صلى الله عليه وآله) ایستاده بودیم و امیدوار بودیم که آن شخص پرچم دار ما باشیم. که نا گهان رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: «علی کجاست؟». [18]

- ابن حنبل شيباني، أحمد؛ « مسند أحمد » ، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وعادل مرشد و ديكران، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، 1421ق.
- ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين؛ « مقاتل الطالبين »، محقق: السيد أحمد صقر، ناشر: دار المعرفة، بيروت ، بي تا.
- ابو نعيم اصفهاني، احمد؛ « فضائل الخلفاء الأربعة و غيرهم»، محقق: صالح بن محمد العقيل، چاپ اول، دارالبخاري،المدينة المنورة، 1417ق.
- بخاري، محمد بن اسماعيل؛ « صحيح البخاري»، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، چاپ اول، ناشر: دار طوق النجاة، 1422هـ
- ثعلبي، احمد؛ « الكشف والبيان »، چاپ اول، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - 1422 هـ - 2002 م .
- حاكم نيشابوري، محمد؛ « المستدرک على الصحيحين»، تحقيق: مصطفى عبد القادر، چاپ اول،دار الكتب العلمية، بيروت ، 1411ق.
- ترمذی، محمد؛ « سنن الترمذی» ، تحقيق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي، بيروت، 1998م.
- فخر الدين رازي، محمد؛ « مفاتيح الغيب = التفسير الكبير»، دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ سوم، 1420ق.
- قندوزي، سليمان؛ « ينابيع المودة لذوي القربى»، تحقيق: سيد علي الحسيني، دار الأسوة للطباعة والنشر، چاپ اول، 1416 ق.
- لالكايي، هبة الله؛ « شرح أصول اعتقاد أهل السنة و الجماعة »، محقق: أحمد بن سعد الغامدي، چاپ هشتم، دار طيبة، سعودية، 1423ق.
- مجلسي، محمد باقر؛ « بحار الانوار»، مؤسسة الوفاء ، بيروت ، بي تا.

- مفيد، محمد؛ « الإرشاد في معرفة حجج آل على العباد » ، محقق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ،  
چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ق.

- مفيد، محمد؛ « الأمالى »، محقق : حسين ولى، على اكبر غفارى، چاپ اول ، ناشر: كنگره شيخ مفيد،  
قم، 1413 ق.

[1] سطح چهار كلام اسلامى با گرايش نقد وها بيت: com.gmail@kordestan.mnvf

[2] مفيد ، محمد بن محمد؛ « أمالى »، صص ۱۸ - ۱۹ ، ج ۷.

[3] ابوالفرج اصفهانى، علي بن الحسين ؛ « مقاتل الطالبين »، ص 53.

[4] سوره آل عمران، آيه ۶۱.

[5] نيشابورى، مسلم بن حجاج؛ « صحيح مسلم»، ج ۵، ص ۲۳، كتاب فضائل الصحابة، باب فضائل على بن ابى  
طالب، ج ۳۲.

[6] سوره احزاب، آيه ۳۳.

[7] حاكم نيشابورى، محمد؛ « المستدرک على الصحيحين»، ج ۲، ص ۴۵۱، تفسير سوره احزاب، ج ۳۵۵۸ و ج ۳،  
ص ۱۴۳، ح 4652 .

[8] سوره نساء، آيه ۵۹.

[9] فخر الرازى، محمد؛ « مفاتيح الغيب»، ج 10، ص 113: « أَنْ اللَّاهِ تَعَالَى أَمْرًا بِطَاعَةِ  
أُولِي الْأَمْرِ عَالَى سَبِيلِ الْجَزْمِ فِي هَذِهِ الْأَيَّةِ وَمَنْ أَمَرَ اللَّاهِ بِطَاعَتِهِ  
عَالَى سَبِيلِ الْجَزْمِ وَالْقَطْعِ لَا بُدَّ وَأَنْ يَكُون مَعْصُومًا عَنِ الْخَطَأِ، إِنْ  
لَوْ لَمْ يَكُن مَعْصُومًا عَنِ الْخَطَأِ كَانَ بِتَقْدِيرِ إِقْدَامِهِ عَالَى الْخَطَأِ  
يَكُونُ قَدْ أَمَرَ اللَّاهِ بِمُتَابَعَتِهِ، فَيَكُونُ ذَلِكَ أَمْرًا بِفِعْلٍ ذَلِكَ  
الْخَطَأُ وَالْخَطَأُ لِكُونِهِ خَطَأً مَنَّهُ هِي عِنْدَهُ، فَهَذَا يُفْضِي إِلَى اجْتِمَاعِ

الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ فِي الْفِعْلِ الْوَاحِدِ بِالْاِعْتِدَارِ الْوَاحِدِ، وَإِنَّهُ مُجْتَمِعٌ،  
فَثَبِتَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَ بِطَاعَةِ أَوْلِي الْأَمْرِ عَلَي سَيِّلِ الْجَزْمِ،  
وَتَثَبِتَ أَنَّ كُلَّ مَنْ أَمَرَ اللَّهَ بِطَاعَتِهِ عَلَي سَيِّلِ الْجَزْمِ وَجَبَ أَنْ  
يَكُونَ مَعْصُومًا عَنِ الْخَطَأِ، فَتَثَبِتَ قَطْعًا أَنَّ أَوْلِي الْأَمْرِ الْمَذْكُورِ فِي  
هَذِهِ الْآيَةِ لَا بُدَّ وَأَنْ يَكُونَ مَعْصُومًا.».

[10] قندوزى، سليمان بن إبراهيم؛ « ينايع المودة لذوي القربى »، ج ١، ص ٦٥.

[11] سورة مائده ، آيه ٥٥.

[12] ثعلبى، احمد؛ « الكشف و البيان»، ج ٤، ص ٨٠ - ٨١ . طبرسى،

[13] نيشابورى، مسلم؛ « صحيح مسلم»، كتاب فضائل الصحابة ، باب فضائل على بن ابى طالب، ج ٢٤٠٨.  
ترمذى، محمد؛ « سنن الترمذى»، باب مناقب اهل بيت النبى صلى الله عليه وآله، ج ٣٧٨٦.

[14] قشيري نيشابورى، مسلم بن حجاج؛ « صحيح مسلم»، كتاب الإمارة «، ج 6، ص 3، باب الناس تبع قريش و  
الخلافة فى قريش، حديث 4812 . ابوداود سجستاني، سليمان؛ « سنن ابى داود »، ج 4، ص 172، كتاب  
المهدي، باب 1، ح 4282 . ابن حنبل، احمد؛ « مسند احمد»، ج 5، ص 90 : 20870 و ج 5، ص 93، حديث  
٢٠٩٠٩ .

[15] فاضل قندوزى حنفى، سليمان بن ابراهيم حسيني؛ « ينايع المودة لذى القربى من أهل العبا ( عليهم السلام) »، ص 446: « إن الأحاديث الدالة على كون الخلفاء بعده (صلى الله عليه وآله) إثنا عشر قد اشتهرت من طرق كثيرة، فبشرح الزمان وتعريف الكون والمكان، علم أن مراد رسول الله (صلى الله عليه وآله) من حديثه هذا الأئمة الاثنا عشر من أهل بيته وعترته (عليهم السلام)، إذ لا يمكن أن يحمل هذا الحديث على الخلفاء بعده من أصحابه، لقلتهم عن اثنى عشر، ولا يمكن حمله على ملوك بنى أمية لزيادتهم على اثنى عشر، ولظلمهم الفاحش إلا عمر بن عبد العزيز، ولكونهم غير بنى هاشم، لان النبى (صلى الله عليه وآله) قال " كلهم من بنى هاشم " فى رواية عبد الملك عن جابر، وإخفاء صوته (صلى الله عليه وآله) فى هذا القول يرجح هذه الرواية، لأنهم لا يحسنون خلافة بنى هاشم، ولا يمكن حمله على ملوك بنى العباس لزيادتهم على العدد المذكور، ولقلة رعايتهم الآية ( قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة فى القربى ) وحديث الكساء، فلا بد من أن يحمل هذا الحديث على الأئمة الاثنى عشر من أهل بيته وعترته



(عليهم السلام) لأنهم كانوا أعلم أهل زمانهم وأجلهم وأورعهم وأتقاهم، وأعلاهم نسبا، وأفضلهم حسبا، وأكرمهم عند الله، وكانت علومهم عن آبائهم متصلا بجدهم (صلى الله عليه وآله) وبالوراثة واللدنية، كذا عرفهم أهل العلم والتحقيق وأهل الكشف والتوفيق. ويؤيد هذا المعنى أى أن مراد النبي (صلى الله عليه وآله) الأئمة الاثنا عشر من أهل بيته (عليهم السلام) ويشهده ويرجحه حديث الثقلين، والأحاديث المتكثرة المذكورة فى هذا الكتاب وغيرها. وأما قوله (صلى الله عليه وآله): " كلهم تجتمع عليهم الأمة " فى رواية عن جابر بن سمرة فمراده (صلى الله عليه وآله) أن الأمة تجتمع على الاقرار بامامة كلهم وقت ظهور قائمهم المهدي (عليه السلام) .».

[16] ابو نعيم اصفهاني، احمد؛ « فضائل الخلفاء الأربعة و غيرهم »، محقق: صالح بن محمد العقيل، ج ١، ص ٥٩، ح ٤٢.

[17] ابو نعيم اصفهاني، احمد؛ « فضائل الخلفاء الأربعة و غيرهم »، محقق: صالح بن محمد العقيل، ج ١، ص ١٧٩، ح ٢٣٤ .

[18] بخارى، محمد بن اسماعيل؛ « صحيح البخارى»، ج ٤، ص ٤٧، ح ٢٩٤٢ و ج ٥، ص ١٨، ح ٣٧٠٢ و ج ٥، ص ١٣٤، ح ٤٢١٠ .